



خلیج فارس

از امپراتوری ایران تا امروز

ملیرضا کاریانی

اقدام غیر منتظره موسسه امریکایی نشنال جیوگرافی در انتشار نامی جعلی برای خلیج فارس، حساسیت هم وطنان و تمامی دوستداران ایران زمین را در سرتاسر جهان موجب شد.

ایرانیان حق دارند از خود بپرسند اصل ماجرا چه بوده و کم و کیف دقیق آن را جویا شوند. هر چند که هم وطنان ما از کلیت ماجرا مطلع اند و اقدام برای تغییر نام خلیج همیشه فارس را حرکتی بر ضد خود و سرزمین شان می دانند. اقدامی که تنها به جایجایی نامی تاریخی نظر ندارد، بلکه در بعدی فراتر تحریف واقعیات مسلم، ایجاد تفرقه بین ساکنان منطقه و تعرضی نامیمون و عیب به فرهنگ و تاریخ یکی از غنی ترین تمدن های بشری را هدف قرار داده است.

خلیج تا ابد فارس در بلندای تاریخ

خلیج فارس نامی است به جای مانده از کهن ترین منابع، زیرا که این نام با نام سرزمین ملت ایران گره خورده است.

خلیج فارس، دریای کم عمق و نیمه بسته ای است با مساحت حدود ۲۴۰ هزار کیلومتر مربع که در جنوب غربی قاره آسیا و در جنوب ایران قرار دارد. زمین شناسان معتقدند در حدود پانصد هزار سال پیش، صورت اولیه خلیج فارس در کنار دشت های جنوبی ایران تشکیل شد. و به مرور زمان، بر اثر تغییر و تحول در ساختار درونی و بیرونی زمین، شکل ثابت کنونی خود را یافت. قدمت خلیج فارس با همین نام چندان دیرینه است که عده ای معتقدند: "خلیج فارس گهواره تمدن عالم یا مبدا پیرائی نوع

بشر است." ساکنان باستانی این منطقه نخستین انسان هایی بودند که روش دریانوردی را آموخته و کشتی اختراع کرده و خاور و باختر را به یکدیگر پیوند داده اند. اما دریانوردی ایرانیان در خلیج فارس، حدود پانصد سال قبل از میلاد مسیح و در دوران سلطنت داریوش اول آغاز شد. داریوش بزرگ، نخستین ناوگان دریایی جهان را به وجود آورد. کشتی های او طول رودخانه سند را تا سواحل اقیانوس هند و دریای عمان و خلیج فارس پیمودند. سپس شبه جزیره عربستان را دور زده و تا انتهای

داریوش اولین و نخستین پادشاهی است که نام دریای پارس یا خلیج فارس را بر این دریا نهاد

دریای سرخ و بحر احمر کنونی رسیدند. او برای نخستین بار در محل کنونی کانال سوئز فرمان کنندن ترعه ای را داد و کشتی هایش از طریق همین ترعه به دریای مدیترانه راه یافتند. در کتیبه ای که در محل این کانال به دست آمده نوشته شده است: "من

پارسی هستم. از پارس مصر را گشودم. من فرمان کننن این ترعه را دادم ام از رودی که از مصر روان است به دریایی که از پارس آید پس این جوی کنده شد چنان که فرمان داده ام و ناوها آیند از مصر از این آبراه به پارس چنان که من می خواستم." داریوش در این کتیبه از خلیج فارس به نام "دریایی که از پارس می آید" نام برده است و این نخستین مدرک تاریخی است که درباره خلیج فارس موجود است. از این رو داریوش هخامنشی را می توان نخستین پادشاهی دانست که نام دریای پارس یا خلیج فارس را بر این دریای بسته اطلاق کرده است.

اما به جز کاریوش هخامنشی و در گذر از مرزهای ایران زمین، یونانی ها نخستین مردمانی بودند که این خلیج را "پرسیکوس سینوس" یا "سینوس پرسیکوس" که همان خلیج فارس است، نامیده اند. از آنجا که این نام برای اولین بار در منابع درست و معتبر تاریخی که غیر ایرانیان نوشته اند آمده است، هیچ گونه شائبه نژادی در وضع آن نمی تواند وجود داشته باشد. چنانکه همین یونانیان بودند که سرزمین ایران را نیز "پارسه" و "پرسپولیس" یعنی شهر یا کشور پارسیان نامیدند. استرابن جغرافیدان قرن اول میلادی نیز به کرات در کتاب خود از خلیج فارس نام برده است. وی محل سکونت

اعراب را نیز در این سرخ و خلیج فارس عنوان می کند. همچنین فلان پوسی از پلوس مورخ دیگر یونانی در کتاب تاریخ سفرهای جنگی اسکندر از این خلیج به نام پرسیکون کیت که چیزی جز خلیج فارس است نام می برد.

آثار نویسندگانی که به زبان عربی مطالب خود را در باره این دریا آورده اند نیز در زمره منابعی هستند که می توانند برای شناسایی این دریا مورد استفاده قرار گیرند. این منابع و آثار از دریای فارس و چگونگی آن پیش از آثار فرهنگی موجود در هر زبان دیگری گفت و گو شده است. تمام کسانی که از متون دوره اسلامی شناختی حداقل داشته باشند با نام مسعود ابن بطوطه، حمدالله مستوفی، یاقوت حموی، حمزه اصفهانی، ناصر خسرو قبادیانی، ابوریحان بیرونی، ابن بلخی و دیگرانی که اکثر آنان کتاب های خود را به زبان عربی نیز نوشته اند آشنا هستند. گذشته از متقدمان می توان از نویسندگان عرب متأخر نیز نام برد که در آثار خود از نام خلیج فارس بدون کم و کاست یاد کرده اند.

انجمن نشنال جیوگرافی

انجمن نشنال جیوگرافی با هدف فعالیت های علمی و آکادمیک در حوزه علوم جغرافیا و تلاش برای گسترش این علوم در سال ۱۸۸۸ میلادی در امریکا تشکیل شد.

این موسسه که خود را نهادی غیردولتی و غیرانتفاعی معرفی کرده، به تدریج دامنه فعالیت های خود را از حوزه علوم جغرافیایی به دیگر رشته های مرتبط از جمله عکاسی گسترش داده و در دیگر کشورهای جهان به ویژه اروپای غربی، اقدام به گشایش شعبه های وابسته کرد.

نشنال جیوگرافی همچنین با انتشار نشریات و نقشه های جغرافیایی، در کنار چاپ ماهنامه های معروف جیو، از پایه بهترین و معروف ترین عکس های جهان از هنرمندان عکاس را نیز در دستور کار خود قرار داد و نام خود را به عنوان یکی از معتبرترین موسسه های علوم جغرافیایی در مجامع علمی و فرهنگی جهان به ثبت رساند. امروزه این موسسه با بیش از یک قرن تجربه در حوزه های مختلف و بسیار گسترده ای فعالیت دارد که اشاره به برخی از آنها خالی از لطف نخواهد بود. روابط عمومی این انجمن از ارتباط ماهیانه ۲۰۰

میلیون تن با نشریات پنج گانه موسسه نشنال جیوگرافی و همچنین انتشارات و دیگر محصولات آن خبر می دهد. این آثار همچنین افرادی را که از طریق محصولات تصویری موسسه بر روی کانال کابلی آن در نقاط مختلف جهان به تماشای برنامه های نشنال جیوگرافی می نشینند نیز شامل می شود.

انجمن نشنال جیوگرافی تاکنون ۷۰۰۰ طرح را در زمینه های مرتبط با حوزه های کاری خود به اجرا در آورده و از سال ۱۹۸۸ میلادی بنیاد آموزشی خود را بنا نهاده است.

در سال های اخیر و با گسترش فعالیت انجمن

یونانیان از دیرباز از این دریا به عنوان خلیج فارس نام برده اند

یاد شده در بهینه اینترنت سایت های متنوع و مختلف نشنال جیوگرافی به مهم ترین زبان های زنده دنیا، انبوهی از اطلاعات و داده های جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی ملل مختلف جهان را در اختیار مشترکان قرار داده و در زمینه فروش محصولات خود از طریق اینترنت نیز به گونه ای فعال وارد عمل شده است.

اطلس نشنال جیوگرافی

از جمله معروف ترین محصولات انجمن نشنال جیوگرافی، اطلس بزرگ جغرافیایی آن است که در قطع بزرگ و با جایی نفیس به زبان انگلیسی منتشر می شود.

این اطلس یکی از منابع جغرافیایی مهم جهان محسوب می شود که از ماه گذشته آخرین چاپ آن با عنوان چاپ هشتم، از طریق انتشارات و کتابفروشی های بزرگ امریکای شمالی و اروپای غربی در اختیار علاقمندان قرار گرفته است.

چاپ هشتم اطلس بزرگ نشنال جیوگرافی که در ۴۱۷ صفحه و با قیمت ۱۳۵ دلار امریکا منتشر شده، علاوه بر دارا بودن نقشه های متعدد جغرافیایی از پنج قاره و ۱۹۲ کشور جهان، انبوهی از اطلاعات و داده های جغرافیایی، فرهنگی، اجتماعی و علمی را نیز در بر دارد که به برخی از آنان اشاره می شود.

انتشار آخرین عکس های ماهواره ای از زمین و اشاره به موقعیت اقیانوس ها، دریاها و دو قطب شمال و جنوب زمین. انتشار تصاویری از اعماق اقیانوس ها و همچنین قاره های تصاویر به دست آمده از تلسکوپ فضایی هابل از اعماق کهکشانها. اشاره به موقعیت زمین و همسایگان آن در منظومه شمسی به ویژه کره مریخ و به تصویر کشیدن این منظومه و صور معروف فلکی با عکس های رنگی جدید.

درج مشخصات کامل و نقشه جغرافیایی ۶۰ ابرشهر جهان، اشاره به درگیری های سیاسی و قانون های بحرانی در پهنه گیتی و انتشار مجموعه اطلاعاتی از وضعیت کشورها و واحدهای سیاسی جهان.

چاپ هشتم اطلس نشنال

جیوگرافی و مساله خلیج فارس

در آخرین نسخه منتشر شده از اطلس بزرگ نشنال جیوگرافی که از آن به عنوان چاپ هشتم این اطلس نیز یاد می شود نزدیک به ۱۷۰۰۰ مورد تغییر نسبت به چاپ هفتم مشاهده می شود که بدون تردید مهم ترین و حساسیت برانگیزترین تغییر، درج عبارتی معمول در کنار نام خلیج فارس در نقشه منطقه است.

باید دانست که در تمام مجلدات پیشین اطلس های نشنال جیوگرافیک و در تمامی نقشه های منتشر شده و اطلاعات موجود در سایت های اینترنتی این انجمن، همواره از عبارت صحیح و درست خلیج فارس برای اشاره به دریای کم عمق و نیمه بسته جداکننده فلات ایران از شبه جزیره عربستان استفاده شده بود.

به همین دلیل اقدام عجیب و بی سابقه این انجمن در درج نامی جعلی در کنار نام خلیج فارس و همچنین اعمال برخی تغییرات نامفهوم و بی پایه و اساس دیگر در نقشه منطقه بسیار سوال برانگیز می باشد.

اطلس هشتم نشنال جیوگرافی در حالی که نام خلیج فارس را به عنوان نام نخست این خلیج در نقشه منطقه به چاپ رسانده از عبارت معمول خلیج عربی در داخل پرانتز به عنوان نام دوم آن استفاده کرده است. تحریف و دستکاری مسئولان این موسسه

امریکایی در نقشه منطقه به همین مورد محدود نمی‌شود و باکمال تأسف در حرکتی که رنگ و بوی سیاسی آن کاملاً آشکار است با فلش‌هایی قرمز جزایر همیشه ایرانی ابوموسی و تنب‌های بزرگ و کوچک نیز در نقشه مشخص و در اشاره‌ای خام و کودکانه از آن به عنوان جزایر اشغال شده از سوی ایران نام برده شده است.

دست اندرکاران اطلس علاوه بر جسارت‌های یاد شده در اقدام دیگری در کنار نام جزیره کیش، مروارید خلیج فارس عنوان نامفهوم (قیص) و در کنار نام لاوان عنوان پوچ دیگری چون (ابو شعیب) را آورده و در اشاره به آبراه‌اروند بدون درج نام ایرانی آن به ذکر شط العرب بسنده کرده‌اند.

آلن کارول از مسئولان نشنال جیوگرافی در پاسخ به انتقادهای گسترده‌ای که از سوی ایرانیان سراسر جهان به جعل و دستکاری موسسه وی در نقشه منطقه به عمل آمده است ادعا می‌کند: این انجمن برای استفاده از کسانیه که از نام دیگر خلیج فارس استفاده می‌کنند اقدام به درج عبارت خلیج عربی در داخل پرانتز کرده است.

به نظر می‌رسد بی پایه و اساس بودن چنین ادعایی تا بدان حد آشکار است که نیازی به پاسخ نداشته باشد، چرا که در برابر مسلمات تاریخی و همچنین اسناد محکم و متقن منتشر شده از سوی مجامع بین‌المللی چون سازمان ملل متحد، اقداماتی موهوم در جعل حقایق تاریخی توجیه تغییر در اطلس‌های جهان نیست.

از آن گذشته حتی در صورتی که در برابر چنین ادعای مضحکی در خصوص نام خلیج فارس برای لحظه‌ای غمض عین کنیم، اقدام موهنی چون نام تازی نهادن بر جزایر ایرانی که در حال حاضر هیچ نشانی از حضور اعراب ندارند و استفاده از عناوین جعلی چون قیص و ابو شعیب در کنار جزایر کیش و لاوان چگونه توجیه پذیر است؟

در متون تاریخی از سواحل جنوبی خلیج فارس به عنوان سواحل دزدان یاد شده است، چرا که دزدان دریایی که هیچ نشانی از تمدن و مدنیت نداشتند و با جرم و جنایت خو گرفته بودند ملوایی شایسته‌تر از این سواحل تفتیده برای اقامت و ادامه راهزنی نیافته بودند.

نشنال جیوگرافی به عنوان موسسه‌ای که دم از اعتبار علمی و جهانی می‌زند و درگسترده

فعالیت‌هایش در بخش‌های مختلف علوم جغرافیایی اعتباری جهانی برای خود قایل است، در وهله نخست موسسه‌ای غیر انتفاعی است که برای تأمین بخشی از هزینه‌های سنگین خود همواره نیاز به دریافت کمک‌های نقدی و یا همراهی بنگاه‌های مالی بین‌المللی دارد.

و در هر حال انجمنی هر چند معتبر و شناخته شده در سطح جهان چون نشنال جیوگرافی در خلا فعالیت نمی‌کند. این انجمن همچون دیگر نهادها و موسسات غیرانتفاعی بین‌المللی در جهانی آمیخته به سیاست و آلوده به زور و زور به حیات خود ادامه می‌دهد.

اعلان نام خلیج فارس چه کسانی بودند؟

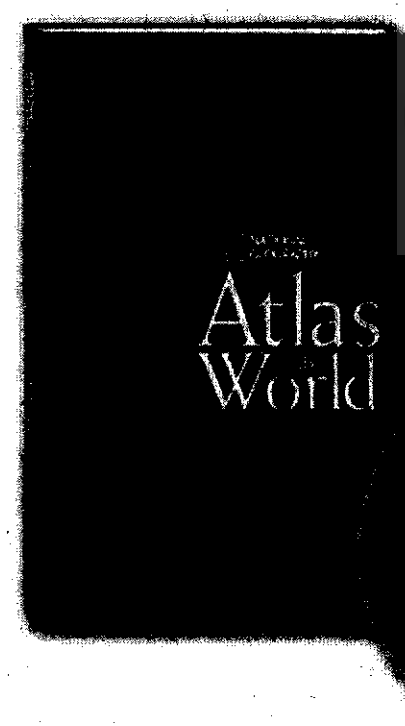
نگاهی به مستندات تاریخی یک قرن گذشته منطقه نشان از دخالت مستقیم وزارتخانه‌های مستعمرات و امور خارجه بریتانیا در تلاش برای تغییر نام خلیج فارس دارد.

انگلیسی‌ها که برای نخستین بار در نیمه نخست قرن نوزدهم میلادی، نیروی دریایی قدرتمندی در خلیج فارس مستقر کرده بودند، این دریا را به عنوان یکی از مناطق مهم و راهبردی خود برای مقابله با خطر احتمالی حمله به هندوستان از سوی روسیه ایرقدرت رقیب خود در آن دوران می‌دانستند.

نیروی دریایی سلطنتی بریتانیا تا نیمه نخست قرن نوزدهم میلادی به بهانه تأمین امنیت دریایی و مقابله با خطر دزدان دریایی (که این بهانه نیز عموماً به دلیل راهزنی دریایی اعراب جنوب خلیج فارس مطرح گشته بود) به تدریج علاوه بر اشغال جزایر ایرانی منطقه، در سواحل جنوبی خلیج فارس نیز مستقر شدند. فرماندهان نظامی انگلیس با

انتقاد قراردادهایی با شیوخ سواحل جنوبی خلیج فارس، این شیخ‌نشین‌ها را تحت الحمايه امپراطوری بریتانیا قرار دادند و در عمل کنترل جزایر و سواحل جنوبی خلیج فارس را در دست گرفتند. در این میان دولت وقت ایران به دلیل ضعف مفرط نظامی قادر به مقابله با حضور نظامی ناوگان انگلیس در منطقه نبود. حتی تلاش ناصر الدین شاه قاجار در خرید دو قرونند کشتی جنگی به نام‌های شوش و پرسپولیس از آلمان و اعاده حاکمیت ایران بر برخی جزایر ایرانی خلیج فارس، از طریق برافراشتن بی‌رق ایران بر این جزایر با واکنش شدید انگلیسی‌های مستقر در منطقه روبرو شد.

انگلیسی‌ها حضور نامیمون خود را در منطقه در سال‌های پایانی قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی، با همان اهداف استعماری پیشین و این بار به منظور مقابله با خطر رقیب تازه نفسی چون امپراتوری آلمان ادامه دادند. در این سال‌ها جزایر ایرانی ابوموسی و تنب‌های بزرگ و کوچک نیز به اشغال انگلیسی‌ها درآمد و نیروهای اشغال‌گر که شیخ‌نشین‌های جنوب خلیج فارس را تحت الحمايه خود داشتند، پرچم این شیخ‌نشین‌های نیمه مستعمره را در جزایر ایرانی یاد شده به اهتزاز در آوردند. در این دوران اداره و کنترل امور خلیج فارس



و جزایر ایرانی، منطقه در وزارت امور خارجه بریتانیا رقم می خورد و انگلیسی ها سیاستمداران زنده خود را با کمک وزارت مستعمرات راهی منطقه کرده بودند. در نگرش زاهدی بریتانیا به مسایل منطقه، ایرانی قوی و قدرتمند می توانست ادامه حضور استعماری انگلیسی ها را در منطقه به چالش بطلد. از این رو سیاست تضعیف ایران و ایران زدایی از منطقه خلیج فارس در دستور کار سیاست خارجی انگلیس قرار گرفته بود. با این همه این امر ظرافت خاصی را نیز طلب می کرد. چرا که به هر حال انگلیس همواره با بیم بلعیده شدن ایران از سوی روسیه و نزدیک تر شدن ابرقدرت رقیب به هندوستان نیز روبرو بود. به عبارت دیگر انگلیسی ها نه خواستار از بین رفتن ایران به نفع روسیه و نه قدرت یافتن ایران به ویژه در مرزهای جنوبی و منطقه خلیج فارس بودند.

یکی از کارگزاران مشهور انگلیس در خلیج فارس از دهه ۱۹۳۰ میلادی به بعد چارلز بلگریو بود که به دلیل خدمات سی ساله ای که به امپراتوری بریتانیا در منطقه کرد از سوی ملکه این کشور به عنوان سرچارلز بلگریو ملقب شد.

لرد بلگریو که سال های متعددی را در منطقه گذرانده و با خلق و خوی اعراب جنوب خلیج فارس به خوبی آشنا شده بود، نظر مساعدی نسبت به ایران و ایرانی نداشت. وی را باید یکی از دشمنان ایران زمین خواند که نامی نامیمون از خود در منطقه برجای گذاشته است. به عبارتی این چهره سیاه استعمار انگلیس را می توان از نخستین جاعلان نام گنگ و نامشروع خلیج عربی خواند.

نامی در متون تاریخی و لرد کرزن وزیر امور خارجه وقت انگلیس نشان می دهد که وی برای نخستین بار در سال ۱۸۸۱ از واژه ای جعلی و گنگ به جای نام خلیج فارس استفاده کرده بود. اما آنگهون پرونده تغییر نام خلیج فارس در وزارت امور خارجه بریتانیا در بهمن سال ۱۹۳۷ میلادی و دوران تصدی لرد بلگریو در مقام کارگزاری دولت بریتانیا در منطقه خلیج فارس آغاز شد.

انگلیسی ها تمایل بهلوی اول در سال های پایانی سلطنتش را نسبت به دشمن قسم خورده خود همان لژی فراموش نکرده و از زبان سفیر کبیر وقت خود در تهران وعده تلافی اقدامات شاه وقت ایران را داده بودند. شاید بتوان گفت که این امر حتی

با حمله متفقین به ایران و سقوط رضا شاه نیز پایان نیافت و درست مقارن سال های پس از جنگ جهانی اول است که بار دیگر حرکت های ضد ایرانی انگلیس در منطقه خلیج فارس ادامه می یابد. لندن با وجود اعطای استقلال به بسیاری از مستعمرات خود در نقاط مختلف جهان، در سال های پس از جنگ جهانی دوم، با وجود درخواست های مکرر تهران، هیچگاه جزایر ایرانی اشغال شده خلیج فارس را تخلیه نکرد در عوض از ضرورت اعطای استقلال بحرین و جدایی استان چهاردهم ایران سخن

از معروف ترین محصولات انجمن نشنال جیوگرافی، اطلس بزرگ جغرافیایی آن است

می گفت. درست در چنین سال هایی است که لرد بلگریو سیاست جدید لندن در اعمال تفرقه هر چه بیشتر بین ساکنان منطقه و ترویج عربیت افراطی در برابر ایرانیان را پی می گیرد.

این کار گزار رسمی دولت انگلیس در سال ۱۹۶۶ شخصاً دست به قلم می شود و با زیرکی خاصی تغییر نام خلیج فارس را به تازیان نسبت می دهد و می نویسد: و خلیج فارس که تازیان اینک آن را خلیج عربی گویند...

بدین ترتیب وی می خواهد واژه جعلی را در بین مردم کشورهای منطقه خلیج فارس و به ویژه اعراب منطقه زبانه زد سازد. پیش از استفاده او از این نام، واژه خلیج العربی، هرگز در نوشته های معتبر به چشم نمی خورد، مگر در موارد اندکی که برخی از تاریخ و جغرافی دانان از دریای سرخ به نام خلیج العربی یاد کرده اند. لرد بلگریو در اواخر دوران فرمانروایی خود بر کرانه های باختری خلیج فارس، برای نخستین بار در مجله صوت البحرین، اقدام به جعل نام خلیج فارس کرده سپس تلاش بسیاری برای گسترش آن نمود.

در این میان نقش عبدالکریم قاسم که با کشتار خاندان سلطنتی عراق در سال ۱۹۵۸ در این کشور به قدرت رسیده را نیز نباید فراموش کرد. قاسم که خود را از هواداران جمال عبدالناصر و

با گرایش های قومی افراطی عربی می دانسته، به منظور تحکیم پایه های قدرت خود در کشور، که از نظر ترکیب قومی و نژادی و اعتقادی بسیار متزلزل می نمود، بر ملی گرایی عربی پای می فشرد. بسیاری عراق را کشوری مصنوعی و مرزهای آن را ترسیم شده از سوی استعمار بریتانیا می دانند که فاقد هویتی مستقل در طول تاریخ بوده است. لذا طرح قوم گرایی افراطی عربی می توانست مستمسکی برای کودتای خونریزی چون عبدالکریم قاسم باشد. او در سال ۱۹۵۸ میلادی از نام خلیج عربی استفاده کرد. این اقدام اگر چه با واکنش و اعتراض شدید دولت ایران روبرو شد اما در جهان متمدن آن روز بازتابی نیافت.

اگر چه قومیت گران عربی پس از دوران قاسم نیز برای تغییر نام خلیج فارس کوشیدند و چنین اقدامی را در جامعه عرب به تصویب رساندند، اما نباید از سرمنشا و ریشه چنین تحول نامیمونی که در فاصله ای دورتر از مرزهای جغرافیایی منطقه رقم خورده غفلت کرد.

بدون تردید جاعلان نام دریای پارس که پرونده ای به همین منظور در وزارت امور خارجه بریتانیا تشکیل داده بودند، کمتر از تازیان افراط گرای جنوب این دریای نیلگون شایسته ملامت نیستند. قدری قلمچی، نویسنده عرب در مقاله ای به نام ملاقات صلح در مهد اسلام که در سال ۱۹۶۸ میلادی در روزنامه الرصد بیروت به چاپ رسید ایران را کشوری دوست و برادر نامیده که تاریخ آن به تاریخ اعراب پیوسته است و اختلاف دو طرف را در مورد نام خلیج فارس بی اساس می داند.

تذیر فظه نیز در مقاله ای در روزنامه الاخانظر قدری قلمچی را تایید کرده و می نویسد: شما را به خدا بگویند که نام خلیج فارس از چه زمانی در کنار عبارت خلیج عربی قرار گرفت، این بدعتی است از زبان سیاستمداران و در راه یک هدف معین.

به هر حال آنچه در ماه گذشته از واکنش ایرانیان سراسر جهان نسبت به اقدام نشنال جیوگرافی شاهد بودیم، نشانی از غرور ملی هم وطنان ما بود که جسارت بیگانه را نسبت به فرهنگ و تمدن خود برناتافتند و با اعتراضات گسترده خود نسبت به چنین اقدامی، بار دیگر تحسین جهانیان را نسبت به همیت خود برانگیختند، و به جهانیان ثابت کردند که خلیج فارس همواره خلیج فارس خواهد ماند.